

به روایتی طاهر به این سبب ذوالیمینین نام گرفت که «روزی از جانب مأمون به نزد امام رضا (ع) رفت تا با او به ولیعهدی مأمون بیعت کند. طاهر دست چپ خود را جهت بیعت دراز کرد و دست راست را پیش نیاورد، به این خاطر که آن دست به بیعت مأمون مشغول است. از این رو، مأمون او را بدین نام خواند.» از طرفی، طاهر در شجاعت و شمشیرزنی با هر دو دست تبحر خاصی داشت و به قولی، او را بدین سبب ذوالیمینین خوانده‌اند.

عبدالله بن طاهر هم‌چنین به کشاورزی و کشاورزان توجه خاصی داشت. از آن‌جا که در باب کاریزها (قنات‌ها) و استفاده از آن، بین کشاورزان اختلاف و نزاع وجود داشت، فقهای خراسان و عراق را جمع کرد تا کتابی در احکام مربوط به قنات‌ها تدوین نمایند. این کتاب تا مدت‌ها مرجع حل اختلاف بود. اقدام دیگر وی جلوگیری از ستم مالکان و کارگزاران مالیاتی بود که موجب ویرانی روستاها و فرار کشاورزان شده بود.

حکومت طاهریان نیم قرن دوام یافت اما چند عامل موجب انحلال آن شد؛ از آن جمله می‌توان به شورش‌های متوالی خوارج سیستان، ظهور جنبش عیاران به رهبری یعقوب لیث و نهضت علویان طبرستان اشاره کرد. سرانجام با غلبه‌ی یعقوب لیث بر نیشابور دولت طاهریان منقرض شد (۲۵۹ ه.ق).

طاهر یک سال بعد، نام خلیفه را از خطبه انداخت و به نام خود سکه زد و به این صورت ادعای استقلال کرد، اما اندکی بعد، از دنیا رفت^۱.

با این وصف، نگرانی‌های مأمون از شورش خوارج سیستان و نیز علاقه‌ی لشکریان خراسان به خاندان طاهری موجب شد تا مأمون امارت خراسان را به پسران طاهر واگذار کند.

حکومت عبدالله بن طاهر را می‌توان عصر طلایی حکومت طاهریان دانست. او به ترویج و نشر علم علاقه‌ی خاصی داشت و برای عمومی نمودن فرهنگ و دانش، طرحی شبیه به سوادآموزی اجباری عرضه کرد. وی دستور داد تا کودکان فقیر را از مکتب و آموزش محروم نکنند و اسباب و امکانات تحصیل را برای آنان نیز فراهم نمایند تا استعداد کسی ضایع نشود.

| نام امیر | ه.ق. | میلادی |
|-----------------|---------|--------|
| طاهر ذوالیمینین | ۲۰۵ | ۸۲۰ |
| طلحه | ۲۰۷ | ۸۲۲ |
| عبدالله | ۲۱۳ | ۸۲۸ |
| طاهر دوم | ۲۳۰ | ۸۴۴ |
| محمد | ۲۴۸-۲۵۹ | ۸۷۲ |

امیران طاهری

۱- به قولی توسط عمّال و جاسوسان خلیفه، مسموم شد و به قتل رسید.

«از محمد بن طاهر (آخرین امیر سلسله‌ی طاهریان) علت زوال حکومت طاهریان را پرسیدند، گفت: شرب شبانگاه، خواب صبح و واگذاری منصب‌های عالی به غیر اهل».

صفاریان؛ عیاران^۱ آزادی خواه

دومین کانون استقلال‌طلبی ایران سرزمین سیستان بود. سیستان در آن زمان به سبب فراوانی آب سرزمینی حاصل خیز بود؛ به طوری که تجار و بازرگانان سیستان با بلاد هند در ارتباط بودند.

رفتارهای تند و پرخاشگرانه‌ی اعراب مهاجر با مردم آن دیار موجب تقویت اندیشه‌های استقلال‌جویی و آزادی‌خواهی در مردم شده بود و آثار و نشانه‌های اسطوره‌ها روحیه‌ی مردم سیستان را حماسی نموده بود. سرزمین سیستان در این روزها، محل تلاقی چند نیرو بود؛ خوارج، عیاران و مطوعه (جنگ‌جویان داوطلب). خوارج از گروه‌های ناراضی و دشمن خلافت بودند. آنان سرزمین سیستان را به عنوان یکی از مراکز



فرمانده‌ی یک واحد‌گردار از سپاه در دوره‌ی صفاریان

شورش خود برگزیده و به واسطه تعصب و خشونت امنیت زندگی اجتماعی مردم را سلب کرده بودند. از آن‌جا که حکام طاهری توفیقی در سرکوبی آنان نداشتند گروهی از مردم سیستان برای برقراری امنیت و مبارزه با شورشیان دسته‌هایی از جنگجویان داوطلب تشکیل دادند که به نبرد با خوارج می‌پرداختند به این گروه از جنگجویان داوطلب «مطوعه» می‌گفتند.

عیاران غالباً از مردمان فرودست شهری بودند که ظاهراً به اصول و اخلاق جوان‌مردی و فتوت مقید بودند و گاه با راه‌زنی و دزدی از اموال توانگران زندگی می‌کردند. با این حال، دفاع از تهیدستان و محرومان در مقابل زورگویی‌های قدرتمندان محلی را وظیفه‌ی خود می‌دانستند. عیاران در جنگ‌های محلی‌ای که بین امرا و حکام ولایات رخ می‌داد، غالباً به عنوان مزدور به خدمت گرفته می‌شدند. در میان عیاران سیستان، یعقوب لیث شهرتی خاص داشت.

قدرت‌گیری یعقوب لیث را می‌توان در دو مرحله مورد مطالعه قرار داد:

مرحله‌ی اول: یعقوب با اتکا به نیروی عیاران تحت امر خود که بدو علاقه‌ای خاص داشتند، حاکم طاهری و مدعیان محلی را بیرون راند و پس از آن که امارت سیستان را یافت، تحت عنوان غزا و جهاد به کابل و حدود سند لشکر کشید. در این دوره، روابط یعقوب و خلیفه‌ی عباسی عادی بود و خلیفه به واسطه‌ی آن که وی فتنه‌ی خوارج و

۱- لفظ عیار به معنی کسی که بسیار پرود و بیاید و نیز به معنی شخص هشیار، چالاک و زرنگ نیز آمده است. به رؤسای عیاران «سرهنگ»

یا «سر عیار» می‌گفتند.

حمایت او بودند و خلیفه اقدام علیه آنان را نوعی عصیان علیه خود تلقی کرده، یعقوب را یاغی خواند. یعقوب خشمگین شده، پس از فتح فارس به سوی خوزستان لشکر کشید تا در ادامه به بغداد یورش برد. به رغم تقاضای خلیفه برای مصالحه و دوستی، یعقوب در تصمیم برای انتقام از خلیفه جدی بود، ولی بیماری و مرگ به او مجال نداد.

شورش‌های ماجراجویان محلی را از بین برده و نظم و امنیت را در آن منطقه برقرار ساخته بود، فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ را برایش فرستاد.

مرحله‌ی دوم: گسترش فتوحات و بسط قدرت محلی یعقوب منجر به درگیری وی با طاهریان شد. او با تصرف نیشابور، به اقتدار طاهریان در خراسان پایان داد و این آغاز دشمنی یعقوب با خلیفه بود چرا که طاهریان مورد

یک توضیح

در جریان فتح نیشابور محمد بن طاهر برای یعقوب پیغام فرستاد که اگر تو به فرمان خلیفه این جا آمده‌ای عهد و لوای وی عرضه کن تا ولایت به تو بسپارم و اگر عهد و لوای خلیفه نداری بازگرد. در جواب این پیغام که فرستاده‌ی محمد بن طاهر به وی ابلاغ کرد، یعقوب شمشیر خود را از زیر مُصلیٰ - که آن جا نماز می‌گزارد - بیرون آورد و گفت: این عهد و لوای من است!

| نام امیر | ه.ق. | میلادی |
|--------------|------|--------|
| یعقوب لیث | ۲۵۴ | ۸۶۸ |
| عمرو لیث | ۲۶۵ | ۸۷۸ |
| طاهر بن محمد | ۲۸۷ | ۹۰۰ |
| لیث | ۲۹۶ | ۹۰۸ |
| محمد، معدل | ۲۹۷ | ۹۱۰ |
| عمرو دوم | ۲۹۸ | ۹۱۷ |
| ابوجعفر احمد | ۳۱۱ | ۹۲۳ |
| خلف بن احمد | ۳۵۳ | ۹۶۳ |
| | ۳۹۳ | ۱۰۰۳ |

یعقوب در جندی شاپور بیمار شد. در این زمان، فرستاده‌ی خلیفه با منشور (فرمان) ولایت فارس و به قصد استمالت (دل‌جویی) به نزد یعقوب آمد. یعقوب شمشیر و قدری نان خشک و پیاز پیش خود نهاده بود. برای خلیفه پیغام فرستاد که من بیمارم و اگر بمیرم، تو (خلیفه) از من رها شوی و من از تو و اگر ماندم، این شمشیر میان ما داوری خواهد کرد. اگر غالب شوم، به کام خود رسیده‌ام و اگر مغلوب شوم این نان خشک و پیاز مرا بس است.

پس از یعقوب، برادرش، عمرولیث، به امارت رسید. عمرو سیاست محتاطانه‌ای نسبت به خلافت در پیش گرفت. او خود را تابع خلیفه دانست و به نام وی خطبه خواند. در این زمان، خلیفه‌ی عباسی درگیر قیام عظیم بردگان به رهبری صاحب‌الزنج بود و لذا فرمان امارت سیستان، خراسان و فارس را به او داد اما مسئله‌ی ماوراءالنهر موجب اختلاف میان عمرولیث صفاری و امیراسماعیل سامانی شد. در جنگ بین این دو امیر ایرانی، عمرو شکست خورد و به اسارت درآمد و به بغداد فرستاده شد و در زندان به فرمان خلیفه به قتل رسید. با وجود این شکست، امیران صفاری مدت‌ها بر سیستان



خداخانه‌ی مسجد جامع عتیق در شیراز از آثار دوره‌ی صفاریان

پرسش‌های نمونه

- ۱- جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان در عصر خلافت عباسیان مبتنی بر چه دیدگاه‌هایی بودند؟ توضیح دهید.
- ۲- عبدالله بن طاهر چه اقدامات مهمی انجام داد؟
- ۳- پیش از تشکیل حکومت صفاریان چه نیروهایی در منطقه‌ی سیستان فعال بودند؟ درباره‌ی هر یک از آن‌ها توضیح دهید.
- ۴- ویژگی‌های مراحل مختلف حکومت یعقوب لیث را توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی چگونگی یکی از قیام‌های ایرانیان بر ضد عباسیان (براساس دیدگاه نخست و دوم) مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی مناسبات ایرانیان با امامان شیعه مطلبی بنویسید.

ایران در قرون نخستین اسلامی (۲)

سامانیان، پیشینه‌ی تاریخی

سامانیان خاندانی ایرانی بودند که نسب خود را به بهرام چوبین (از سرداران دوره‌ی ساسانی) می‌رساندند. جد ایشان سامان خدای از دهقانان (زمینداران) ناحیه‌ی بلخ بود که پس از مسلمان شدن به همراه نوادگانش به خدمت خلفا درآمدند و به پاس خدماتی که به خلافت نمودند در زمان مأمون حکومت شهرهای مختلف ماوراءالنهر به آنان داده شد.

مورخان امیراسماعیل سامانی را بنیان‌گذار واقعی حکومت سامانیان می‌دانند که پس از وی، امیران دیگری از این خاندان در ماوراءالنهر به‌طور مستقل حکومت کردند (برای آشنایی با امیران سامانی به نمودار صفحه‌ی بعد توجه شود).

حکومت سامانیان در ماوراءالنهر، بیش از یک قرن طول کشید. آنان در دوره‌ی عظمت و قدرت، گذشته از شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، گرگان، طبرستان، ری و حتی سیستان را نیز جزء قلمرو خود کردند.

سیاست و مملکتداری سامانیان: سامانیان اساس سیاست خود را بر اطاعت و تبعیت از خلافت عباسی قرار دادند. امیران سامانی غالباً با شیوه‌های مملکتداری، سیاست و حکمرانی آشنایی داشتند و با پیروان ادیان و ملل مختلف - که در سرزمین ماوراءالنهر زیاد بودند - با مدارا رفتار می‌نمودند و در کارها از نظرات صاحب‌نظران و دانشمندان استفاده می‌کردند و وزیران خود را از میان اندیشمندان برمی‌گزیدند.



غزنویان و ورود حکومت ایلک خانیان^۱ به صحنه‌ی کشمکش‌های سیاسی - نظامی ماوراءالنهر حکومت سامانیان منقرض و مستملکات آن بین این دو حکومت تقسیم شد؛ به طوری که شهرهای ماوراءالنهر را ایلک خانیان و خراسان را غزنویان تصرف کردند.

علویان طبرستان

اسلام چگونه در قسمت‌های ساحلی دریای خزر گسترش یافت؟ ایالات ساحلی دریای خزر با کوه‌های صعب‌العبور و جنگل‌های انبوه و مردمانی سخت‌کوش سالیان طولانی در برابر یورش اعراب مسلمان ایستادگی کردند. به طوری که تلاش‌های فاتحان عرب برای تسخیر نظامی آن ایالات به جایی نرسید اما روند اسلامی شدن این سرزمین به تدریج و به‌طور مسالمت‌آمیز صورت گرفت. سادات علوی که تحت تعقیب عمال خلیفه‌ی عباسی بودند، با سکونت در این منطقه به‌نشر و ترویج اسلام شیعی پرداختند. عواملی چون حسن رفتار، اخلاق پسندیده و سلوک انسانی آنان زمینه‌های گرویدن به اسلام را در منطقه فراهم کرد.

قیام مردم به رهبری علویان: ساکنان این سرزمین که عمدتاً روستاییان زحمتکش بودند، تحت استثمار و بهره‌کشی دو گروه بودند. از یک‌سو، زمینداران محلی و خاندان‌های حکومتی قدیم و از سوی دیگر حکام طاهری.

حکام و دست‌نشانندگان طاهری ضمن مصادره‌ی بیشه‌زارها و مراعات عمومی، با اخذ مالیات سنگین و مکرر در سال، مردم آن دیار را به‌سختی آزار می‌دادند. سرانجام، تداوم این بهره‌کشی‌ها موجب شورش و طغیان مردم شد. آنان با توجه به زهد و پارسایی و رفتار پسندیده‌ای که از سادات علوی مشاهده کرده بودند، یکی از علویان به نام حسن بن زید علوی را که فردی شجاع و عالم بود به رهبری برگزیدند.

اقدامات حسن بن زید علوی: حسن بن زید حکام

| میلادی | ه.ق. | نام امیران |
|--------|------|-----------------|
| ۸۹۲ | ۲۷۹ | اسماعیل اول |
| ۹۰۷ | ۲۹۵ | احمد بن اسماعیل |
| ۹۱۳ | ۳۰۱ | نصر دوم |
| ۹۴۲ | ۳۳۱ | نوح اول |
| ۹۵۴ | ۳۴۳ | عبدالملک اول |
| ۹۶۱ | ۳۵۰ | منصور اول |
| ۹۷۶ | ۳۶۶ | نوح دوم |
| ۹۹۷ | ۳۸۷ | منصور دوم |
| ۹۹۹ | ۳۸۹ | عبدالملک دوم |

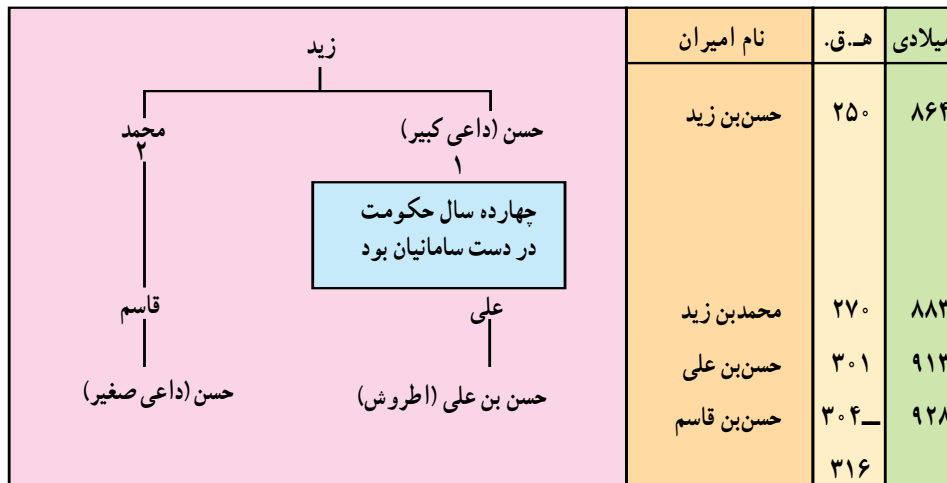
امیران سلسله‌ی سامانی

در دوره‌ی حکومت سامانیان بخارا از مراکز مهم ادب، علم و تمدن در جهان اسلام بود. عده‌ی زیادی از دانشمندان در آن دیار بودند. کتابخانه‌ی سامانیان گنجینه‌ای از تألیفات و آثار علمی، ادبی و فلسفی جهان بود. ابن سینا که مدتی در این مرکز به تحقیق در علوم مشغول بود، در این باره می‌نویسد «که در آن‌جا کتاب‌هایی یافتم که حتی نامشان بر بسیاری مجهول بود و از آن پس چنان مجموعه‌ای از کتاب‌ها در هیچ‌جا ندیدم.»

علاقه و احترام امیران سامانی نسبت به علما و دانشمندان بسیار زیاد بود، به طوری که حرمت آنان را نگاه می‌داشتند و در کارها از تدبیر آنان بهره می‌گرفتند.

زوال سامانیان: سامانیان با استخدام غلامان ترک‌نژاد و کاستن قدرت و نقش دهقانان محلی، زمینه‌های ضعف و زوال حکومت را فراهم نمودند. تضاد بین دیوان‌سالاران ایرانی و سپه‌سالاران ترک‌نژاد موجب هرج و مرج و نابسامانی در ارکان حکومت سامانیان شد. سرانجام، با ظهور حکومت

۱- این سلسله که به آل افراسیاب و قراخانیان نیز معروف است بر قسمت‌هایی از ماوراءالنهر و ترکستان شرقی حکومت می‌کردند (۶۰۷ - ۳۸۲ ه.ق.).



علویان طبرستان

زیاریان

دولت آل زیار چگونه تأسیس شد؟ پس از آشکار شدن ضعف حکومت علویان تعدادی از سرداران و فرماندهان محلی مدعی حکومت شدند و هر یک در ناحیه‌ای قد برافراشتند. یکی از معروف‌ترین این سرداران مردآویج بود.

مردآویج، پسر زیار، که خود را از نژاد پادشاهان قدیم گیلان می‌شمرد، با تصرف طبرستان، گرگان و اصفهان، حکومت آل زیار را تأسیس کرد.

سیاست مردآویج: مردآویج سنن و آداب ایران قبل از اسلام را ستایش می‌کرد و در خیال احیای شاهنشاهی ساسانیان بود. او تاجی جواهرنشان مانند تاج انوشیروان بر سر می‌نهاد و بر تخت زرین می‌نشست و جشن‌های ملی ایرانیان مانند نوروز را به طرز باشکوهی برپا می‌کرد.

مردآویج با به خدمت گرفتن غلامان ترک، و ضمیمه کردن آن‌ها به سپاهیان گیل و دیلم سپاهی قدرتمند تشکیل داد اما تحقیر و بدرفتاری وی با غلامان ترک سرانجام موجب شورش آنان و قتل مردآویج شد.

وابسته‌ی طاهری را از آن دیار اخراج کرد و حکومتی مستقل را در طبرستان تأسیس نمود (۲۵۰ ه.ق.). او دامنه‌ی قلمرو خود را به جرجان (گرگان)، ری و قزوین رسانید و ضمن مبارزه با راه‌زنان و دفع دزدان دریایی نظم و امنیت کم‌سابقه‌ای را در منطقه ایجاد کرد و احکام و آداب مذهب شیعه را ترویج نمود.

پس از مرگ حسن بن زید، حکومت علویان دچار فراز و نشیب‌هایی شد. معروف‌ترین امیر علوی، حسن بن علی بود که او را ناصر کبیر^۱ می‌خواندند. سبب شهرت او، دادگری و حمایتش از طبقات محروم در مقابل زورگویی‌های زمینداران و توانگران محلی بود. او دانشمندی مجاهد و فقیهی زاهد نیز بود. حکومت علویان پس از ناصر کبیر دیری نپایید و سرانجام در سال ۳۱۶ ق. و با سقوط طبرستان به دست آل زیار، حکومت علویان طبرستان منقرض شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

حکومت‌های طاهریان، صفاریان و علویان را در سه زمینه با هم مقایسه کنید و وجوه مشترک و تفاوت‌های آن‌را بگویید.

۱- وی در چند جنگ شرکت کرده بود و گوشش بر اثر ضربات سلاح دشمن در جنگ یا شکنجه‌های دوران، آسیب دیده بود؛ به همین سبب، او را «اطروش» [کم‌شنوا] نیز می‌خواندند.



ظرف آب شیشه‌ای مربوط به قرن چهارم هجری کشف شده در نیشابور

داد و اصفهان را مرکز قدرتش ساخت و برادرانش، حسن و احمد بویه، نیز فتوحات او را دنبال کردند. احمد پس از استقرار در شیراز به سوی نواحی غربی و مرکز قلمرو خلافت پیش رفت و توانست بغداد را فتح کند.

اهمیت آل بویه در تاریخ ایران: در تاریخ ایران، فتح بغداد توسط آل بویه دارای اهمیت خاصی است، زیرا: اولاً، حکومتی مستقل تشکیل دادند که خلافت عباسیان را تحت کنترل و دست نشانده‌ی خود ساخت و برای مدتی به اقتدار ترکان در جهان اسلام خاتمه داد؛ ثانیاً، آل بویه به لحاظ مذهبی، به تشیع گرایش داشتند، طوری که در روزهای حکومت آنان آداب و سنن شیعه رونق یافت. علمای شیعه از امنیت و حمایت نسبی برخوردار شدند و این خود از عوامل مؤثر در روند گسترش تشیع در ایران بود.

عمادالدوله پسری نداشت، از این رو، برادرزاده‌اش، فناخسرو، (پسر رکن‌الدوله) ملقب به عضدالدوله را به جانشینی خود برگزید.

پس از مردآویج برادرش، وشمگیر، به جای او نشست. او دوران فرمان‌روایی خود را به جنگ با امیرنصر سامانی و پسران بویه گذراند.

با تأسیس حکومت آل بویه (۳۲۰ ق.) نفوذ حکومت آل زیار به تدریج کاستی گرفت و دامنه‌ی آن از حدود گرگان و طبرستان پیش تر نشد.^۱

آل بویه

پیشینه‌ی تاریخی: فرزندان بویه، سردار شجاع دیلمی، قدرتمندترین حکومت ایرانی را در قرن چهارم پایه‌گذاری کردند. بویه سرکرده‌ی جنگ‌جویان محلی در کوه‌های دیلم بود که ابتدا به خدمت حکومت سامانیان درآمد و پس از آن که حکومت زیاریان در سواحل جنوبی مازندران تأسیس شد، به خدمت مردآویج درآمد. مردآویج، علی، پسر بزرگ بویه، را که جنگ‌جویی لایق بود به حکومت کرج^۲ منصوب کرد.^۳

علی (عمادالدوله) در مدتی کوتاه با اتکا به جنگ‌جویان گیل و دیلم، قدرت خود را تا جنوب گسترش



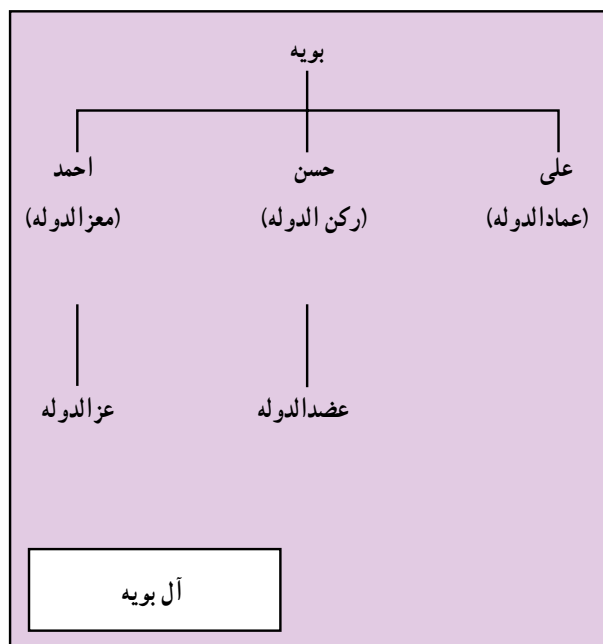
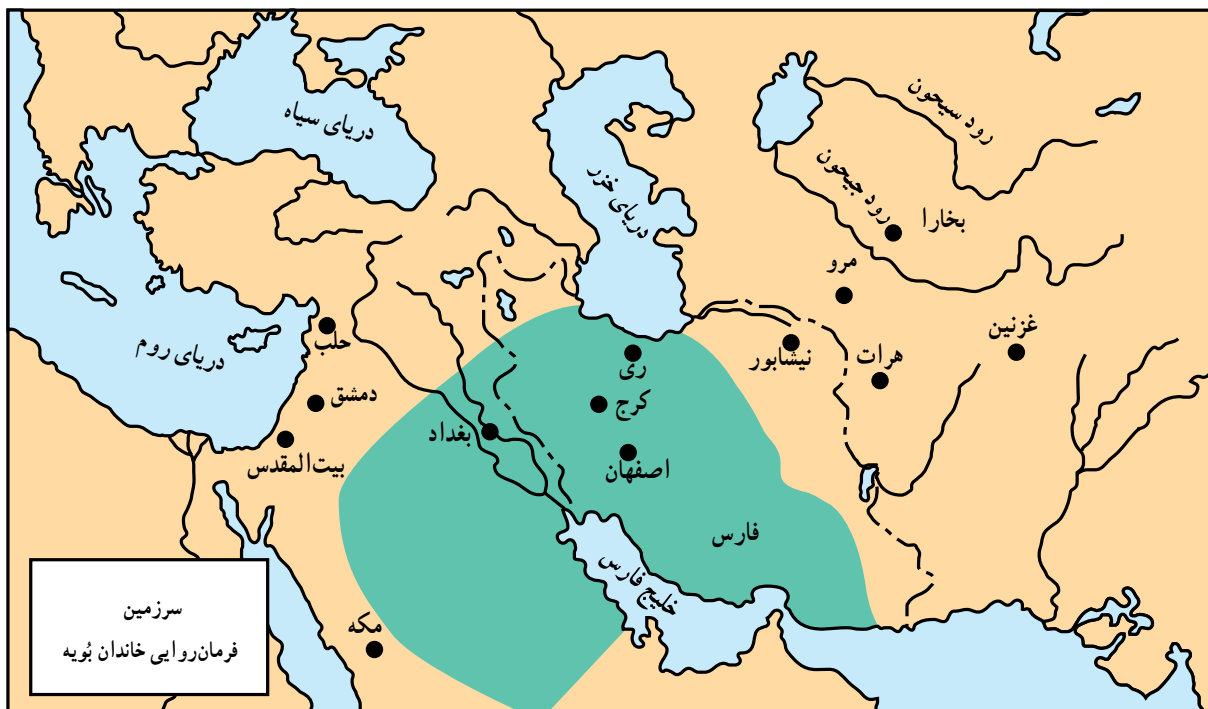
جنگ‌جوی سواره مربوط به دوره‌ی آل بویه

۱- آخرین امیر این دودمان، گیلان‌شاه بود که پس از استیلای اسماعیلیان در منطقه، حکومت محلی و کوچکش برچیده شد.

۲- معروف به کرج ابودلف، شهری در جنوب سلطان‌آباد (اراک کنونی) و متصل بدان بوده است.

۳- هرچند اندکی پس از آن به خاطر این که مردآویج بین سپاهیان محبوبیت داشت از انتصاب خود پشیمان گردید ولی تلاش‌های او برای

بازگرداندن علی مؤثر واقع نشد.



اوج اقتدار و شکوفایی حکومت آل بویه

در زمان فرمانروایی عضدالدوله، حکومت آل بویه به اوج اقتدار و شکوفایی خود رسید. عضدالدوله به خاطر گستردگی فتوحات، توجه و احترام به دانشمندان و علما و ایجاد مؤسسات علمی و عمرانی در تاریخ ایران و اسلام از شهرت ویژه‌ای برخوردار است. او نخستین کسی بود که از طرف خلیفه، لقب ملک (شاه) یافت و در خطبه‌ی بغداد، نامش بعد از نام خلیفه، ذکر شد. به‌دستور عضدالدوله، بناهای بسیاری در عراق و فارس ساخته شد و بر مزار شهدای کربلا و مقبره‌ی حضرت علی (ع) بارگاه احداث گشت. او در بغداد بیمارستانی ساخت که به بیمارستان عضدی معروف شد و در فارس بر رود کُربند معروف عضدی (بند امیر) را احداث کرد.

انحطاط و سقوط آل بویه: پس از عضدالدوله عوامل زیر موجب ضعف آل بویه گردید:

- ۱- رقابت میان شاهزادگانی که هر یک بر بخشی از قلمروی این حکومت مسلط شده بودند.
- ۲- به مخاطره افتادن منبع مهم درآمد آل بویه یعنی بازرگانی به دلیل توسعه‌طلبی خلفای فاطمی در شام

قلمرو آل بویه در عهد عضدالدوله به نهایت گستردگی و وحدت سیاسی رسید. عراق و سراسر ایران تا رود سند (به استثنای خراسان، سیستان که متعلق به سامانیان بود) تابع او گشت و در عربستان نیز عمان تا سرزمین دوردست یمن تحت فرمان وی درآمد.

۳- بروز شورش‌هایی در مناطق مختلف، مانند بحرین که حکومت تجزیه شده‌ی آل‌بویه دیگر توان سرکوبی آن‌ها را نداشت. به دلیل همین ضعف و ناتوانی بود که سرانجام سلجوقیان توانستند آنان را شکست داده به حکومتشان خاتمه دهند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- شما نقاط قوت و ضعف حکومت سامانیان را در چه می‌دانید؟ چرا؟
- ۲- ویژگی مهم مردآویج در مقایسه با سایر فرمان‌روایان مورد بحث چه بود؟
- ۳- چه زمینه‌هایی موجب شکل‌گیری حکومت علویان در طبرستان شد؟
- ۴- فتح بغداد توسط آل‌بویه از چه جهاتی اهمیت داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- چرا آل‌بویه به رغم شیعه بودن و برخورداری از قدرت نظامی، خلافت عباسی را از بین نبردند؟ در این باره مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی شاخه‌های مختلف حکومت آل‌بویه پس از مرگ عضدالدوله مقاله‌ای بنویسید.
- ۳- درباره‌ی زندگی و خدمات یکی از وزرای دوره‌های سامانی یا آل‌بویه مطلبی بنویسید.